

	« در شعر «سورت سرمای دی بیدادها می کرد/ و چه سرمایی ، چه سرمایی !» تکرار « چه سرمایی چه سرمایی » نشانه ی تأکید بر ظلم است.»
۲۹	در شعر « همگان خاموش / گرد بر گردش به کردار صدف برگرد مروارید » ؛ « صدف » و « مروارید » به ترتیب کدام پایه ی تشبیه هستند ؟ هر دو مشبه به هستند.
	درس چهاردهم: سی مرغ و سیمرغ
	معنی
۱	نیست خالی هیچ شهر از شهریار هیچ شهری (کشوری) نمی تواند خالی از شهریار و پادشاه باشد
۲	بیش از این بی شاه بودن راه نیست. بیش از این بدون شاه بودن طبق رسم و قاعده نیست (درست نیست)
۳	چون بود کاقلم ما را شاه نیست؟ بیش از این بی شاه بودن راه نیست. چگونه است که سرزمین ما شاه ندارد؟ در این روزگار، بی شاه بودن، درست نیست.
۴	شیر مردی باید این ره را شگرف زانکه ره دور است و دریا ژرف ژرف برای پیمودن این راه ، فردی شجاع و شگفت آور لازم است زیرا این راه ، راهی طولانی و پر از خطر است
۵	گل اگر چه هست بس صاحب جمال حسن او در هفته ای گیرد زوال گل اگر چه صاحب زیبایی بی ماندی است اما آن زیبایی، بسیار زود گذر است
۶	هر که داند گفت با خورشید راز کی تواند ماند از یک ذره باز؟ هر که بتواند با خداوند ارتباط برقرار کند دیگر به عشق های مجازی توجهی ندارد (هر کسی که می تواند به درگاه با عظمت حق برسد و با او همراه شود/ چگونه می تواند به سبب دلبستگی به چیز های نا چیز و بی ارزش از وصول به حق باز ماند؟)
۷	چون فرو آیی به وادی طلب پیش آید هر زمانی صد تعب وقتی که به مرحله طلب برسی هر لحظه با رنج و سختی های فراوانی رو برو می شوی .
۸	ملک اینجا بایدت انداختن ملک اینجا بایدت در باختن باید از قدرت و پادشاهی بگذری و نیز باید هر چه را در تصرف توست، همگی رها کنی.
۹	نه بدو ره ، نه شکیبایی از او صد هزاران خلق سودایی از او نه به او می توان رسید و نه می توان دوری از او را تحمل کرد صدها هزار نفر در آرزوی رسیدن به او هستند
۱۰	غرق آتش شد کسی کانجا رسید آنکه بتواند به این وادی برسد سراسر وجودش را عشق فرا می گیرد
۱۱	هر یکی بینا شود بر قدر خویش باز یابد در حقیقت صدر خویش هر کسی به قدر و ارزش واقعی خود آگاه می شود و به آن مقام والای خود پی می برد
۱۲	روی ها چون زین بیابان در کنند جمله سر از یک گریبان بر کنند اگر از این بیابان (توحید) بگذرند، همه به وحدت و یگانگی می رسند

۱۳	صد هزاران سایه جاوید، تو گم شده بینی ز یک خورشید، تو صد هزاران موجود را خواهی دید که از یک خورشید به وجود آمده و گم شده اند در این مرحله سایه های جاویدی را می بینی که به سبب خورشید وجود حق، گم و ناپیدا هستند
۱۴	خویش را دیدند سیمرغ تمام بود خود سیمرغ، سی مرغ تمام خود را سیمرغ تمام دیدند؛ کاملاً در وجود حضرت حق فانی شدند و آن سیمرغ، در حقیقت همان سی مرغی بودند که به حق پیوسته بودند
	درک مطلب و خود آزمایی
۱	مفهوم کلی بیت زیر را بنویسید: « روی ها چون زین بیابان درکنند جمله سراز یک گریبان برکنند » اگر از این بیابان (توحید) بگذرند همه به وحدت و یگانگی می رسند
۲	پیش از آمد هر زمانی صد تعب ؛ یعنی : هر لحظه صدها رنج و سختی می بینی
۳	در بیت زیر، مقصود از « دریا» و « شبنم » چیست؟ « چون به دریا می توانی راه یافت سوی یک شبنم چرا باید شتافت » دریا: حق تعالی شبنم: هر چه غیر از خدا
۴	در بیت « هشت جنت نیز این جا مرده ای است هفت دوزخ همچو یخ افسرده ای است » منظور از « هشت جنت » و « هفت دوزخ » چیست؟ به ترتیب هشت قسمت بهشت و درکات هفت گانه ی جهنم
۵	چون فرو آیی به وادی طلب پیش از آمد هر زمانی صد تعب وقتی به مرحله ی جست و جوی حقیقت برسی صدها رنج و سختی می بینی
۶	بیت « گر بسی بینی عدد، گر اندکی آن یکی باشد در این ره در یکی » اشاره به کدام وادی عرفان دارد؟ وادی توحید
۷	با توجه به بیت « بعد از این وادی توحید آیدت / منزل تفرید و تجزید آیدت » منزل « تفرید» در اصطلاح صوفیه چگونه منزلی است؟ تحقق بنده است به حق، به طوری که حق، عین قوای بنده باشد
۸	تمثیل های زیر را از داستان منطق الطیر (سی مرغ و سیمرغ) رمزگشایی کنید: الف) مرغان ب) سیمرغ مرغان: سالکان راه حق سیمرغ: وجود حق تعالی
۹	« داستان تمثیلی بلندی که عمده ترین اندیشه های عرفانی تا عصر عطار را در خود جای داده است » ، چه نام دارد؟ منطق الطیر
۱۰	عطار در بیت « چون فرو آیی به وادی طلب / پیش از آمد هر زمانی صد تعب» وادی « طلب» را چگونه توصیف می کند؟ در وادی طلب، رنج ها و سختی های زیادی به انسان روی می آورد.
۱۱	بیت « هر یکی بینا شود بر قدر خویش باز یابد در حقیقت صدر خویش » به کدام وادی از مراحل هفت گانه ی سیر و سلوک عطار اشاره دارد. وادی سوم (معرفت)

۱۲	عذر آوری مرغان در داستان «منطق الطیر» بیانگر چیست؟ وابستگی هایی که انسان را از توجه به خدا و تلاش برای رسیدن به او باز می دارد
۱۳	بیت زیر بیانگر چیست؟ خویش را دیدند سیمرغ تمام بود خود سیمرغ، سی مرغ تمام بیانگر وحدت در کثرت است
۱۴	توجه با داستان «منطق الطیر» هدهد بیت زیر را در پاسخ به عذر آوری کدام پرنده می گوید؟ گل اگر چه هست بس صاحب جمال حسن او در هفته ای گیرد زوال الف) باز <input type="checkbox"/> ب) طاووس <input type="checkbox"/> ج) جغد <input type="checkbox"/> د) بلبل <input type="checkbox"/>